

نقد و ارزیابی کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم

مجید معارف*

حسین تقی‌پور**

چکیده

قرآن کریم کتابی معرفت بخش و واقع‌نما است که حسب آیات قرآن، روایات و عقل، نیاز به شرح و تفسیر دارد. در طول تاریخ مفسران بسیاری بر اساس روش‌ها، گرایش و مکاتب مختلف تفسیری، به شرح و تفسیر این کتاب آسمانی روی آورده‌اند. بر همین اساس تفسیر قرآن سیر تکاملی به خود گرفت و تا عصر حاضر که تفاسیر کامل یا برخی از اجزاء قرآن به نگارش در آمده، تفسیر نویسی ادامه یافته است. در این میان کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم اثر آقای قدرت‌الله مشایخی از سوی انتشارات سمت برای درس تفسیر ترتیبی گرایش علوم قرآن و حدیث رشته الهیات به تألیف در آمده است. در این مقاله محاسن و معایب کتاب مذکور از جنبه شکلی و محتوایی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد و با توجه به نواقص موجود، پیشنهاد می‌شود پس از اعمال ویرایش علمی به عنوان منبع درس تفسیر ترتیبی در مقطع کارشناسی مورد استفاده گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، تفسیر ترتیبی، روش‌های تفسیری قدرت‌الله مشایخی.

۱. مقدمه

دانش تفسیر قرآن از صدر اسلام آغاز شد؛ چرا که به جهت اهمیت شرح و تفسیر کلام خداوند، به گواهی قرآن^۱ اولین مفسر و مبین قرآن پیامبر^۶ بودند که آیات قرآن را برای مسلمین و پیروان خویش به صورت شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تفسیر مطلق، تخصیص عام، تفسیر قرآن به قرآن، نکات اخلاقی، امامت و ولایت و

* استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران. maaref@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته تفسیر تطبیقی. (نویسنده مسؤل) Noremobin_111@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱

ویژگی‌های بهشت و جهنم تفسیر می‌کردند. صحابه آن حضرت نیز هرگاه در فهم معانی آیات دچار مشکل می‌شدند به ایشان مراجعه می‌کردند و معانی آیات را فرا می‌گرفتند. بعد از وفات پیامبر^ص تفسیر قرآن در عصر صحابه ادامه یافت و در بین آنها بدون تردید و براساس اسناد موجود و روایات معتبر از شیعه و سنی، پس از رسول خدا داناترین مردم به تفسیر قرآن حضرت علی^ع بوده است. (ابن اثیر جزری، ۵۹۷/۳؛ ابن سعد، ۲۵۸/۲) علاوه بر حضرت علی^ع برخی از صحابه مانند ابن عباس و عبدالله بن مسعود و ابی‌بن‌کعب و... در امر تفسیر قرآن پیشرو بودند که در این زمان تفسیر در سطح ابتدایی و ساده مطرح می‌شد و بیشتر جنبه روایی داشته است که به این ترتیب تفسیر روایی یکی از قدیمی‌ترین سبک‌های تفسیری در شیعه و سنی است. تفسیر قرآن بعد از صحابه در دوران تابعین رواج بیشتری یافت که در این میان اهل بیت پیامبر: جایگاه و نقش ویژه‌ای داشتند و روایات تفسیری بسیاری از این بزرگواران بر جای مانده است.

در این میان گروهی نیز بر اساس خواسته‌های شخصی یا گروهی بدون ضابطه و قرائن، به تفسیر و تاویل قرآن پرداختند و بحث «تفسیر به رأی» پدید آمد که در احادیث پیامبر^ص و اهل بیت: به شدت با این موضوع برخورد شد و آن را ممنوع کردند. کم‌کم از قرن دوم به بعد و به دلیل برخی از تحولات اجتماعی و فرهنگی، روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری به وجود آمد. از اینجا بود که بحث‌های کلامی و فلسفی پدیدار شد و رفته رفته گرایش‌های تفسیری - کلامی شکل گرفتند. در همین راستا، اختلافات مذهبی که از قرن نخست آغاز شده بود با اختلافات مذاهب فقهی نیز همراه شد و بر تفسیر آیات فقهی قرآن نیز تأثیر گذاشت. برخی از محدثان اهل سنت و شیعه به نقل احادیث اکتفا کردند و بیشتر به گرایش «تفسیر روایی» اکتفا کردند. پس از آن عرفا و متصوفه نیز روش تفسیر «اشاری» را پایه‌گذاری کردند. (رضایی اصفهانی، ۱۶) به همین ترتیب در طول تاریخ اسلام و سده‌های مختلف شاهد شکل‌گیری گرایش‌های تفسیری متعددی همچون: ادبی، روایی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، اجتماعی و... هستیم. در دهه‌های اخیر با پیشرفت چشم‌گیر علوم تجربی، نوعی تفسیر با صبغه علمی نیز نگاشته شد که گاهی مواقع شاهد افراطی‌گری‌هایی در آنها هستیم؛ مثلاً برخی از این مفسران سعی کرده‌اند جهت اثبات حقانیت قرآن، کشفیات جدید علمی را بر قرآن تطبیق دهند. (جلالیان، ۲۳۵) بدین گونه تفسیر، راه تکامل خود را پیمود و کتاب‌های تفسیری هر کدام سمت و سوی خاصی به خود گرفتند.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب «تفسیر یازده سوره از قرآن کریم» تألیف حجت الاسلام و المسلمین قدرت الله مشایخی با ویراستاری علمی دکتر مجید معارف (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران) در ۴۹۳ صفحه در سال ۱۳۹۲ در قطع وزیری، تکرنگ با جلد شومیز، از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی در تیراژ ۱۰۰۰، چاپ و تکثیر شده است. این کتاب دارای سخن ناشر (سمت)، پیشگفتار، تفسیر ۱۱ سوره و منابع و مأخذ است.

زبان اصلی کتاب فارسی است، در مواردی که اصل آیات به زبان عربی در کتاب ذکر شده است، ترجمه آیات نیز ذیل آن بیان شده است. این کتاب تصویری ندارد و صرفاً آموزشی است. از نظر شکلی، در تفسیر هر یک از یازده سوره وحدت رویه وجود دارد که مباحث هر سوره شامل: معرفی سوره، فضیلت تلاوت، ذکر آیات برای تفاسیر، ترجمه، واژه‌شناسی، نکته‌های ادبی و ترکیبی و تفسیر آیات است.

۳. تحلیل و بررسی ابعاد شکلی اثر

در بررسی ابعاد شکلی اثر، امتیازات و کاستی‌هایی به چشم می‌خورد؛ از جمله:

۳-۱. امتیازات کتاب

۱،۱،۳- کیفیت کتاب از جنبه صحافی و چاپ بسیار مناسب و مطلوب است. اندازه و نوع قلم‌های استفاده شده در کتاب مناسب یک کتاب درسی می‌باشد، ضمن اینکه قلم و نحوه چینش آیات با سایر متن کتاب متفاوت است و همین موضوع سبب وضوح مشاهده آیات در کتاب می‌باشد. طرح جلد کتاب از نمادها و طرح‌های تذهیب اسلامی بهره برده که این طراحی با عنوان کتاب سنخیت دارد، علاوه بر اینکه طرح جلد از زیبایی بصری برخوردار بوده، عنوان کتاب در آن با خط زیبای نستعلیق به نگارش در آمده است.

۲،۱،۳- از جنبه ادبی و ویراستاری، این اثر، اثری متقن و قابل دفاع است. جملات با نثری شیوا و گویا، به دور از هر گونه اطناب ممل و یا ایجاز مخمل به نگارش در آمده و مؤلف حتی الامکان از کلمات و جملات ثقیل و مغلق غیر فصیح اجتناب نموده است. قلم ساده و روان اثر سبب گردیده اثر برای مخاطبان آن قابل فهم و درک باشد.

۳،۱،۳- این کتاب در سازمان سمت توسط استاد دانشگاه تهران جناب آقای دکتر مجید معارف (از راقمان این سطور) ویرایش ادبی و علمی شده که همین موضوع بر غنای علمی اثر افزوده است.

۴،۱،۳- تناسب کتاب از جنبه تعداد صفحات آن (۴۹۰) صفحه برای دو درس دو واحدی (۴واحد) مناسب ارزیابی می‌شود.

۲-۳. کاستی‌های موجود

۱،۲،۳. صفحه‌آرایی

شایسته است کتاب از جنبه صفحه‌آرایی و زیبایی‌های بصری، با توجه به قابلیت‌های موجود در امر جذاب‌سازی کتاب، همانند استفاده مناسب از فضای حاشیه‌ای خالی کتاب، استفاده از رنگ دوم جهت نمود بیشتر عنوان‌های کتاب و یا استفاده از تذهیب‌های اسلامی در متن، تنوع قلم و اندازه آن و ... مقداری جذاب‌تر باشد تا یکنواختی صفحه‌آرایی، سبب خستگی چشم مخاطب نشود و با ایجاد جذابیت‌های لازم تا حدی که به محتوا لطمه نزنند، سبب میل و رغبت بیشتر دانشجویان برای مطالعه کتاب شود. همچنین مطلوب است شروع فصل‌ها از صفحات فرد کتاب آغاز شده و عنوان هر فصل با کارهای گرافیکی و هنری به طور مشخص طراحی و صفحه‌بندی شود.

۲,۲,۳. انتخاب نوع و اندازه قلم متن

در تعیین نوع و اندازه قلم عنوان‌ها و مطالب مهم کتاب، مناسب است که از تنوع قلمی و اندازه‌های مختلف و مخصوصاً استفاده از رنگ دوم جهت جداسازی عنوان‌ها و متن کتاب استفاده شود تا خواننده راحت‌تر بتواند بین متن و عنوان‌ها و نکات مهم کتاب را از هم تشخیص دهد.

۳,۲,۳. قیمت کتاب

با عنایت به اینکه این کتاب از سوی سازمان سمت چاپ و نشر یافته و کتابی درسی است به نظر می‌رسد قیمت کتاب می‌توانست کمتر از ۲۰۰,۰۰۰ ریال باشد.

۴,۲,۳. فقدان یکسان‌سازی علائم اختصاری بعد از نام ائمه

بعد از اسامی اهل بیت: در اکثر موارد از علائم اختصاری مثل (ع)، (ص) و در برخی موارد نیز عبارات «سلام و صلوات» مثل صفحه ۴۶۶ به طور کامل ذکر شده و در برخی موارد حتی هیچ‌گونه علامتی بعد از نام‌های مقدس حضرات معصومین: مثل صفحه ۳۰۱ ذکر نشده است. با توجه به وجود قلم‌ها و علائم اسلامی شایسته بود در حروف چینی به صورت یکنواخت و یکپارچه از ذکر علائم اختصاری اجتناب کرده و عبارت‌های «سلام» و «درود بر پیامبر و اهل بیت:» به طور کامل در سراسر کتاب ذکر شود.

۵,۲,۳. فهرست‌گیری اجمالی

فهرست عناوین و مطالب کتاب بسیار مجمل است و صرفاً در حد نام سوره‌ها است که جا دارد فهرست تفصیلی به همراه ذکر اعلام در انتهای کتاب درج گردد.

۶,۲,۳. ذکر مباحث علوم قرآنی به طور ناقص

در ابتدای کتاب، در بخش پیشگفتار تحت عنوان مباحث مقدماتی بخشی از مباحث علوم قرآنی به صورت مختصر بیان شده است. با عنایت به اینکه مخاطبین کتاب (دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث) درس علوم قرآنی را به عنوان پیش‌نیاز این درس گذارنده‌اند، با مباحث علوم قرآنی به صورت نسبتاً مبسوط و فراتر از مباحث علوم قرآنی این کتاب آشنا هستند. اگر نویسنده نیم‌نگاهی هم به مخاطب عام و عموم جامعه در بهره‌گیری از این کتاب داشته است، باز طرح این مطالب به علت موجز بودن،

چندان مفید فایده نخواهد بود. این موجز گویی سبب می‌شود مؤلف در برخی موارد دقت لازم علمی را ننماید؛ برای نمونه در صفحه ۲ در معنای تفسیر گفته شده: «تفسیر عبارت است از تلاش و کوشش در راه رسیدن به معانی معقول در آیات قرآن کریم و آنچه در روایات به «بطون» تعبیر شده است» این در حالی است که در کتب تخصصی علوم قرآنی تفاوت‌هایی بین تفسیر و تأویل مطرح است؛ در تعریف علم تفسیر گفته شده هدف اصلی علم تفسیر دستیابی به مدلول آیات قرآن و مراد خداوند متعال است. (شاکر، ۱۸) همچنین در تعریف دیگری حوزه تفسیر را کشف و پرده‌برداری از ابهام کلمات و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد آنها بیان کرده‌اند؛ به دیگر سخن مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدی آن بر اساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی و محاوره است. (رضایی اصفهانی، ۱۴)

اما با توجه به تعریفی که از بطن قرآن در منابع تخصصی مربوطه صورت پذیرفته، بطن غیر از تفسیر محسوب می‌شود و حوزه بطن قرآن فراتر از مدلول‌های لفظی و توضیح و مقاصد کلمه‌ها و جمله‌ها است و در واقع بطن قرآن همان تأویل قرآن (نجارزادگان، ۱۷۸) و یا لایه‌های درونی و رمزی و اشاری قرآن است. (شاکر، ۳۲) البته در گذشته بین قداما واژه تأویل و تفسیر به یک معنا به کار برده می‌شد. (رک: طبری)

۷،۲،۳. یکسان نبودن مباحث واژه‌شناسی در کتاب

مؤلف در ذیل هر سوره و یا هر بخش تفسیری به ترتیب مباحث «معرفی سوره»، «فضیلت تلاوت»، «ذکر آیات برای تفاسیر»، «ترجمه»، «واژه‌شناسی»، «نکته‌های ادبی و ترکیبی» و «تفسیر» را ذکر کرده است که این ترتیب در کل کتاب وجود دارد، اما بحث واژه‌شناسی، در برخی موارد ارائه نشده است، مثل سوره حجرات که اصلاً بحث واژه‌شناسی ندارد یا در برخی سوره‌ها در برخی از بخش‌ها آمده و در برخی بخش‌ها نیامده است. مثلاً آیات ۳۴ تا ۴۰ سوره واقعه، واژه‌شناسی ندارد در حالی که برخی واژه‌ها مثل «عُرباً اتراباً» در آیه ۳۷ واقعه نیاز به تحلیل واژگان‌شناسی دارد یا در آیات ۷۱ تا ۷۴ همین سوره بحث واژه‌شناسی ندارد، در حالی که کلماتی در این چند آیه وجود دارد که نیاز به بررسی لغت آن است. این عدم یک‌نواختی در واژه‌شناسی در کل کتاب مشهود است و ضرورت داشت دقت لازم در این زمینه به عمل آید.

۸,۲,۳. عدم شماره گذاری در ترجمه

مناسب است در ترجمه نیز مانند متن آیات، شماره آیات ذکر شود تا جهت تطبیق ترجمه و آیه و بررسی آن برای خوانندگان سهولت بیشتری ایجاد گردد.

۴. تحلیل ابعاد محتوایی اثر

در بررسی ابعاد محتوایی اثر، امتیازات و کاستی‌هایی به چشم می‌خورد؛ از جمله:

۱,۴. بیان امتیازات

کتاب «تفسیر یازده سوره از قرآن کریم» به عنوان منبع آموزشی درس تفسیر ترتیبی ۱ تا ۳ دارای ویژگی‌های مثبتی می‌باشد که به برخی از آنها در ادامه اشاره می‌شود:

۱,۱,۴. دسته‌بندی آیات بر اساس ارتباط سیاقی، موضوعی و مفهومی

جهت تفسیر یک سوره، مفسر هم می‌تواند هر یک از آیات را جدا جدا بیان کرده و در ذیل آن به مباحث تفسیری بپردازد و هم می‌تواند با دسته‌بندی منطقی و منسجم و کنار هم نهادن آیاتی که از نظر موضوع و مفهوم نزدیک به هم هستند، به مباحث تفسیری آن دسته از آیاتی که انسجام محتوایی و سیاقی دارند بپردازد. یکی از اصول و روش‌های تفسیر توجه مفسر به سیاق آیات است (رک: رجبی، ۹۶-۹۳) که این کتاب به این قاعده تفسیری توجه داشته و همین موضوع سبب تفسیر و تبیین بهتر و دقیق از آیات گردیده است.

۲,۱,۴. جامعیت محورهای مرتبط مباحث تفسیری ذیل آیات

مؤلف محترم کتاب، بعد از ذکر آیاتی که در یک موضوع قرار دارند، در مرحله اول به ترجمه آیات پرداخته و پس از ترجمه به شرح واژه‌ها و مفردات موجود در آیات اشاراتی داشته است که مخاطب با مطالعه این دو بخش به طور کامل با مفهوم، ترجمه، معنای واژه‌ها و مفردات آیات آشنا شده که این مسأله زمینه‌سازی مباحث تفسیری را فراهم می‌سازد.

از جمله بحث دیگری که در کنار واژگان شناسی در تفسیر قرآن باید بدان توجه نمود نکات ادبی و بلاغی است؛ چرا که یکی از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز در بعد فصاحت و

بلاغت است و با تبیین دقیق این وجه از وجوه اعجاز، نکات تفسیری متعددی بر روی مخاطبین گشوده خواهد شد که مؤلف محترم غافل از این بخش نبوده است. در کنار این مباحث مؤلف محترم از روش‌های دیگر تفسیری مثل تفسیر روایی، تفسیر عقلی و در برخی مواقع تفسیر قرآن به قرآن سود جست است. بنابراین با کنار هم نهادن این روش‌ها مؤلف محترم سعی داشته با بهره‌گیری جامعی از روش‌های مختلف تفسیری مثل لغوی، ادبی، روایی و... به تفسیر آیات پردازد.

۳,۱,۴. استفاده از نظرات تفسیری مفسران برجسته فریقین

با توجه به اینکه قرآن از جنبه‌های گوناگون مثل فصاحت و بلاغت، علوم و معارف، علوم عقلی و علمی و ... اعجاز دارد، در طول تاریخ برخی از مفسران از یک منظر خاص به تفسیر قرآن روی آورده‌اند، برای نمونه تفسیر زمخشری در زمینه تفسیر ادبی سرآمد تفاسیر ادبی می‌باشد و یا طنطاوی به طور مبسوط در حوزه اعجاز علمی وارد شده و یا ملاصدرا در حوزه علوم عقلی و فلسفی و یا برخی از مفسران از جنبه روایی تفاسیر را مورد بررسی قرار داده‌اند و به عنوان تفسیر و یا جزو تفاسیر شاخص و برجسته در آن حوزه شناخته می‌شوند. در این اثر هنگامی که مؤلف به مباحث ادبی و بلاغی می‌رسد، از تفاسیر ادبی و اعراب‌القرآن استفاده می‌کند، هنگامی که به مباحث روایی روی می‌آورد به درستی از کتب و منابع روایی مرجع و شاخص استفاده می‌کند و همین طور در بحث شأن نزول به منابع معتبر در این حوزه ارجاع می‌دهد که این سبک رجوع به کتب تفسیری از مزیت‌های این کتاب می‌باشد، ضمن اینکه در سراسر این کتاب از نظرات مفسران و تفاسیر برجسته فریقین مثل مجمع‌البیان، المیزان، نمونه، درالمنثور، تفسیر فخر رازی و ... استفاده نموده و همین مسأله سبب غنای علمی این اثر شده است.

۴,۱,۴. ارائه تفسیر موضوعی در کنار تفسیر ترتیبی

همانطور که از نام کتاب پیدا است این کتاب اثری است که به صورت ترتیبی ۱۱ سوره از قرآن کریم را از ابتدا تا انتهای آن تفسیر کرده است، در اثنای تفاسیر آیات، برخی از مفاهیم و موضوعات قرآنی وجود دارد که آیه بر آن مسأله تأکید نموده است. مؤلف محترم به این مسأله توجه نموده و آن کلید واژگانی که بیشتر مورد نظر سوره بوده را انتخاب نموده و به شرح و تفصیل آن موضوع پرداخته است. همانند بحث تقوا

در صفحه ۳۵۸، بحث وحدت و تفرقه در صفحه ۳۳۴، جهان برزخ در صفحه ۱۹۴ و ضمن اینکه هر یک از این موضوعات خود می‌تواند موضوعی برای تحقیق و پژوهش دانشجویان باشد.

۵,۱,۴. تناسب تقریبی کتاب با سرفصل‌های دانشگاهی

در مقطع کارشناسی، دانشجویان در دروس تخصصی ملزم به گذراندن تفسیر ترتیبی ۱ و ۲ هستند و همچنین در دروس اختیاری تفسیر ترتیبی ۳ پیش‌بینی شده و این کتاب منبع درسی مقطع مزبور پیشنهاد شده است. در برنامه‌های تفسیر دانشگاه‌ها معمولاً سوره‌های حمد، انبیاء، حج، یس، اسراء، واقعه، حجرات، ۱۰۰ آیه اول بقره، جمعه، مؤمنون خوانده می‌شود که این کتاب حدود ۸۰ الی ۹۰ درصد از سرفصل‌های این دروس را تحت پوشش قرار می‌دهد.

۶,۱,۴. استفاده بهینه و پر رنگ از روش تفسیر روایی

روش تفسیر روایی قرآن، قدیمی‌ترین و رایج‌ترین روش‌های تفسیری است که جایگاه ویژه‌ای در روش‌های تفسیری داشته و همیشه مورد توجه مفسران بوده است؛ به گونه‌ای که برخی از مفسران فقط از این روش پیروی کرده و روش‌های دیگر را نفی کرده‌اند. البته گرایش‌های مخالف و معتدل نیز در مورد آن وجود داشته است. با ملاحظه احادیث تفسیری در می‌یابیم که این روایات از زوایای گوناگون به آیات قرآن نظر داشته و در تفسیر آیات قرآن نقش‌های متفاوتی را بر عهده گرفته‌اند که در ذیل به بخشی از کارکردهای تفسیر روایی که مورد توجه مؤلف محترم کتاب بوده و از آن در تفسیر آیات استفاده کرده است اشاره می‌کنیم:

الف) تفسیر و توضیح آیه: برخی از روایات تفسیری، لغت‌های موجود در آیه را توضیح و کلمات مجمل و مبهم را شرح داده‌اند و پرده از الفاظ مشکل قرآن برداشته‌اند که این مهم‌ترین کارکرد تفسیر روایی است. برای نمونه در صفحه ۱۹۱ در تفسیر «همزات شیطان» در آیه «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ» از امام ۷ نقل شده است: مقصود آن دسته از وسوسه‌های شیطان است که در قلب تأثیر می‌گذارد و یا در روایت ذکر شده در صفحه ۳۷۰ منظور از خافضه و رافعه در سوره واقعه گفته شده: «قیامت خافضه است چرا که به خدا سوگند دشمنان خدا را در آتش می‌اندازند و رافعه است چرا که به خدا سوگند اولیای خدا را به بهشت برمی‌افرانند»

ب) تطبیق آیه بر مصداق خاص: برخی از احادیث تفسیری، مورد و مصداق آیه را بیان می‌کند برای مثال در صفحه ۲۹۲ ذیل آیه ۵۵ سوره نور «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» در روایات متعدد آمده، مصداق آیه را به حکومت جهانی حضرت مهدی در آخرالزمان تطبیق داده‌اند. در صفحه ۱۶۲ ذیل آیه ۵۰ سوره مؤمنون در تفسیر معنای «ربوه ذات قرار معین» «ربوه» را به حیره و «ذات قرار معین» را به کوفه تطبیق داده‌اند.

ج) بیان احکام بحث: گاهی احادیث برخی مطالب جزئی فقهی آیه را توضیح می‌دهند که در متن قرآن نیامده بلکه از طریق سنت به ما رسیده است. همانند تفاسیر روایی فقهی پیرامون متعه در صفحه ۱۲۶ ذیل آیه ۲۴ نساء، بحث زکات در صفحه ۱۹۳ ذیل آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون و بحث مس نکردن قرآن بدون وضو در صفحه ۴۰۸ ذیل آیه ۷۹ سوره واقعه.

د) اشاره به وجوه اعجاز علمی قرآن: یکی از وجوه اعجاز قرآن، اعجاز علمی است که در آن به حقایق از نظام هستی اشاره شده که کشف این حقائق به طور طبیعی نیاز به تحقیقات علمی وسیع و فراوانی دارد همانند بحث زوجیت و یا کرویت زمین و ... که در سده‌های اخیر علوم تجربی این حقائق را اثبات کرد. در روایات تفسیری اهل بیت: به برخی از وجوه اعجاز علمی قرآن اشاراتی شده که این موضوع در ذیل تفسیر برخی از آیات به طوری که آفت‌های تفسیر علمی دوره بوده به طور مختصر مورد توجه مولف اثر بوده است؛ برای نمونه در صفحه ۴۳۹ ذیل آیه «النجم الثاقب» امام صادق^۷ در پاسخ به سؤالی می‌فرماید: «منظور از ثاقب، ستاره زحل است که طلوعش در آسمان هفتم است و نورش آسمان‌ها را می‌شکافد و به آسمان پایین می‌رسد.» در صفحه ۱۴۲ ذیل آیه ۲۵ سوره مریم درباره اهمیت خرما در درمان برخی از بیماری‌های زنان از حضرت علی و امام باقر^۸ روایتی نقل شده است.

ه) تأویل: برخی از احادیث پیامبر^۶ و اهل بیت: در مقام بیان بطون و تأویل آیات هستند بدین معنا که چون آنان به تمام مراتب و لایه‌های مختلف و طولی قرآن دسترسی دارند، در برخی از موارد در تبیین شرح و مراد آیه فراتر از تبیین ظاهری و مدلول‌های لفظی - که اصطلاحاً به آن تفسیر گفته می‌شود - رفته و به بطون قرآن اشاراتی نموده‌اند که روش مفسران این است که بطن و تأویل آیات را در مباحث روایی در تفسیر خود ذکر

می‌کنند که در این کتاب نیز روایت‌های تأویلی مورد توجه مؤلف محترم قرار گرفته است.

برای نمونه در صفحه ۱۹۹، آیه ۱۰۲ سوره مومنون «فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» موازین که جمع میزان و وسیله سنجش و وزن است، در روایات به حضرت علی ۷ و امامان دوازده‌گانه تأویل شده است. همچنین در تأویل آیه ۳۵ سوره نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ...» در صفحه ۲۶۹ مشکات را به حضرت فاطمه ۳ مصباح را به امام حسن ۷ و زجاجه را به امام حسین ۷ و یا در دسته‌ای دیگر از روایات مشکات به قلب پیامبر ۶، مصباح نور علم و زجاجه به حضرت علی ۷ تأویل شده است.

(و شأن نزول: بسیاری از احادیث بیانگر اسباب‌النزول آیات قرآن هستند؛ یعنی زمان و مکان یا واقعه‌ای را که طی آن یا پس از آن آیه‌ای نازل شده، بیان می‌کند که غالباً این مطلب در روشن شدن مفاد آیه تأثیر به‌سزایی دارد. همانند شأن نزول مطرح شده از امام باقر و امام صادق ۸ در صفحه ۲۱۸ درباره آیه ۳ سوره نور که طبرسی در مجمع‌البیان با سند خود آن را نقل کرده است که در این حدیث امام شأن نزول آیه را مختص به زمان پیامبر ۶ و واقعه‌ای که باعث سبب نزول آن شده، ندانسته بلکه آن را در همه اعصار جاری و حکم آن را عام دانسته است و از همین دسته روایات تفسیری شأن نزول در مباحث علوم قرآنی قاعده خاص نبودن حکم آیه به سبب نزول آن برداشت شده است. (حجتی، ۱۵۲)

۲.۴. بیان کاستی‌ها

۱.۲.۴. فقدان یا ضعف در معرفی سوره در ابتدای تفسیر سوره‌ها

از جمله مواردی که به فهم و درک بهتر آیات کمک می‌کند و در مواجهه اولیه مخاطب با سوره، سبب آشنایی با محتوا و پیام‌های آن می‌شود، ارائه کلیاتی از موضوعات و محور و پیام‌های اصلی سوره است که معمولاً در آغاز تفسیر هر سوره در کنار اطلاعات سوره‌شناسی، مفسرین به آن می‌پردازند. اما این اثر فاقد این موضوع است.

مثلاً در سوره مؤمنون در بحث معرفی سوره در کتاب ذکر شده است (این سوره در مکه نازل شده است و ۱۱۸ آیه دارد) این گونه معرفی سوره بسیار مجمل است و در

واقع معرفی‌ای از سوره ارائه نشده است در حالی که می‌توان در معرفی سوره مؤمنون به موارد زیر اشاره نمود که کمک شایانی به مخاطبین در شناخت این سوره می‌کند:

سوره مؤمنون هفتاد و چهارمین سوره قرآن کریم بعد از سوره انبیاء در مکه بر پیامبر^ص نازل شده است و به نظر می‌رسد حدود سال‌های هشت بعثت نازل شده باشد. (زحیلی، ۵/۱۰) در ترتیب فعلی قرآن مجید بیست و سومین سوره قرآن است که بعد از سوره «حج» و قبل از سوره «نور» قرار دارد و دارای ۱۱۸ آیه است.

مطالب سوره نشان می‌دهد که این سوره مکی است، زیرا بیشتر در زمینه اصول عقیدتی: توحید، نبوت، معاد و نظام حاکم بر جهان صحبت می‌کند که این موضوعات از مشخصات سوره‌های مکی است. (طباطبایی، ۶/۱۵) علت نامگذاری آن به «سوره مؤمنون» ظاهراً به علت آن است که این سوره با احوال مؤمنان شروع می‌شود، آن همه اوصاف عالی و ترسیم بسیار زیبا سبب شده که نام این سوره «مؤمنون» باشد. (قاسمی، ۲۱۰/۷؛ زحیلی، ۵/۱۸)

به ظاهر، شأن نزولی برای این سوره نقل نشده است، بلکه ضرورت موقعیت ایجاب می‌کرده که در تداوم وحی آسمانی، این مطالب ارزنده یادآوری و بیان شود تا مؤمنان بدانند ایمان تنها با زبان کافی نیست، بلکه لازمه‌اش عمل است و نیز آن‌ها و کافران بدانند که کفر و شرک و اعمال ناشایست در دنیا و آخرت پیامد ناگواری دارد.

محتوای سوره مؤمنون؛ مجموع مطالب این سوره را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

بخش اول از آیه با «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» آغاز می‌شود و تا چندین آیه بعد بیانگر صفاتی است که مایه فلاح و رستگاری مؤمنان است و این اوصاف آن‌قدر حساب شده و جامع است که جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. در بخش دوم به نشانه‌های مختلف خداشناسی، آیات آفاقی و انفسی پروردگار در پهنه عالم هستی، اشاره کرده و نمونه‌هایی از نظام شگرف عالم آفرینش را در آسمان و زمین و آفرینش انسان و حیوانات و گیاهان برمی‌شمارد. برای تکمیل جنبه‌های عملی در بخش سوم به شرح سرگذشت عبرت‌انگیز جمعی از پیامبران بزرگ همچون حضرات نوح، هود، موسی، عیسی^ص پرداخته و فرازهایی از زندگی آن‌ها را بیان می‌کند. در بخش چهارم روی سخن را به مستکبران کرده با دلائل منطقی و گاه با تعبیرات تند و کوبنده به آن‌ها هشدار می‌دهد تا دل‌های آماده به خود آیند و راه بازگشت به سوی خدا را پیدا کنند. در بخش پنجم، بحث‌های فشرده‌ای درباره معاد

بیان کرده است. در بخش ششم از حاکمیت خداوند بر عالم هستی و نفوذ فرمانش در همه جهان سخن می‌گوید. سرانجام در بخش هفتم باز هم سخن از قیامت، حساب، جزا و پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران به میان می‌آورد و با بیان هدف آفرینش انسان سوره را پایان می‌دهد. به این ترتیب محتوای این سوره مجموعه‌ای از درس‌های اعتقادی و عملی و مسائل بیدارکننده و بیان خط سیر مؤمنان از آغاز تا پایان است. (مکارم شیرازی، ۱۰/۴۱۴)

۲,۲,۴. کاربردی نبودن نکات ادبی و ترکیبی

از جمله روش‌های تفسیر قرآن کریم استفاده از مباحث ادبی و لغوی است که در این روش مفسر با بررسی نکات ادبی و بلاغی به برداشت‌های تفسیری متعددی دست می‌یابد، برای نمونه در آیه ۷ سوره آل عمران «مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (واو) را اگر استینافیه بگیریم آیه به گونه‌ای تفسیر می‌شود و اگر آن را «واو» عطف بگیریم آیه به گونه دیگر تفسیر می‌شود.

در این کتاب مؤلف محترم غالباً به ذکر نکته‌های ادبی، بلاغی و ترکیب نحوی کلمات و جملات بسنده کرده و عملاً وارد برداشت‌های تفسیری با استفاده از مباحث ادبی و صرفی و نحوی نشده است. بنابراین صرفاً با بیان نقش کلمات در جملات و بیان وجوه ادبی و بلاغی آنها بدون برداشت‌های تفسیری، عملاً کاربرد نکات ادبی در تفسیر قرآن را نادیده گرفته است. این کتاب منبع درسی تفسیر برای گرایش رشته‌های علوم قرآن و حدیث و درسی تخصصی است، بنابراین مؤلف محترم باید در کتاب یک صرف و نحو و ادبیات کاربردی در تفسیر را ارائه می‌داد. در ادامه به چند نمونه از استفاده مترجمین از نکات ادبی و بلاغی در تفسیر قرآن اشاره می‌کنیم که نشان می‌دهد ادبیات کاربردی به چه اندازه در فهم آیات قرآن کریم مؤثر است:

از جمله نکات مهم در فهم آیات توجه به سیاق آیات و ارتباط و عطف آیات به یکدیگر است که تفسیر آیه واضح می‌شود. (معارف/۱۹۱) آیه ۱۶ سوره مبارکه نور «وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ» عطف به آیه ۱۲ همین سوره است و با توجه به آیات قبل، این آیه برای بار سوم مؤمنان را توبیخ می‌کند که چرا وقتی داستان افک را شنیدند آن را رد نمودند و نگفتند که این صرفاً افترایی آشکار است. همچنین در این آیه کلمه «سبحانک» از جنبه ادبی و بلاغی جمله‌ای معترضه است و بر همین اساس برداشت می‌شود که هر جا قرآن می‌خواهد کسی را

منزه از عیب معرفی کند، برای رعایت ادب نخست خدا را تنزیه می‌کند، در این آیه نیز با ذکر جمله‌ای معترضه به تنزیه خدا پرداخته شده است. بنابراین توجه به عطف آیه به ماقبل و همچنین توجه به معترضه بودن کلمه «سبحانک» ما را به فهم و برداشت صحیحی از آیه کمک می‌کند. (طباطبایی، ۹۲/۱۵)

در خصوص واژه «طفل» در آیه ۵ سوره مبارکه حج «...نُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...» مفردی است که اراده جمع بر آن شده است و اینکه کلمه مذکور را مفرد آورده با اینکه مقصود جمع است، بدینجهت است که این کلمه مصدر است و در مصدر، مفرد به جای جمع استعمال می‌شود، مثل اینکه هم می‌گویند: «رجل عدل» و هم می‌گویند: «رجال عدل». (طبرسی، ۱۱۴/۷؛ آلوسی، ۱۵۴/۹؛ طبری، ۱۲۲/۱۷) بنابراین از مصدر بودن این کلمه، جمع بودن طفل با توجه به ضمیر «کم» افاده می‌شود.

در آیه ۳۹ حج «أَذِنَ لِّلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» حرف «باء» در جمله «بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا» بآء سببیه است که همین خود علت اذن را می‌فهماند و می‌رساند: اگر مسلمانان را اجازه قتال دادیم، به خاطر این است که به آنها ستم می‌شد. اما اینکه فاعل این اذن را- که چه کسی اجازه داده- ذکر نکرده و نفرموده: «خدا اجازه داد؟» به منظور تعظیم و بزرگداشت خدا بوده، نظیر جمله «وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» که قدرت بر یاری را خاطر نشان کرده، نمی‌گوید که خدا ایشان را یاری می‌کند، تا به این وسیله اشاره به این نکته کرده باشد که او اینقدر بزرگ است که هیچ اعتنایی به این موضوع ندارد و برایش هیچ اهمیتی ندارد، چون برای کسی که بر هر چیز قادر است مشکلی نیست که دوستان خود را یاری کند. (طباطبایی، ۳۸۴/۱۴)

از اینگونه برداشت‌های ادبی-کاربردی که در فهم کلام الله مجید موثر است، بسیار وجود دارد و در همین راستا تفاسیری همچون تفسیر کشاف زمخشری، جوامع الجامع طبرسی و البحرالمحیط اندلسی با رویکرد ادبی- بلاغی از سوی مفسرین نوشته شده است.

۳،۲،۴. دقیق نبودن ترجمه برخی آیات

با مقایسه بین این ترجمه و ترجمه‌ها مشخص می‌شود ترجمه آیات این کتاب بسیار نزدیک به ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی است و در اکثر موارد ترجمه‌ها عین هم است.

برای مثال در ترجمه آیات ۴ و ۵ سوره مبارکه حجرات در ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی آمده است: «(ولی) کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، بیشترشان نمی‌فهمند!» (۴) اگر آنها صبر می‌کردند تا خود به سراغشان آیی، برای آنان بهتر بود و خداوند آمرزنده و رحیم است!» (۵) ترجمه این دو آیه در کتاب دقیقاً عین همین عبارات است، بجز اینکه کلمه «رحیم» در آیه ۵ به مهربان ترجمه شده است. لذا برخی کاستی‌هایی که در ترجمه آیت‌الله مکارم وجود دارد در این ترجمه نیز وجود دارد.

در آیه ۳ سوره حجرات در عبارت: «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِيَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ» این ترجمه عیناً از ترجمه آیت‌الله مکارم چنین ذکر شده است: «آنها که صدای خود را نزد رسول خدا پایین می‌آورند، کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای تقوا خالص نموده است» در این آیه بدون هیچ دلیل سیاقی، لفظی، روایی، ادبی، تفسیری کلمه «امتحن» به «خالص» ترجمه شده است. در حالی که بیشتر مترجمین کلمه «امتحان» را در این آیه به «ابتلا و آزمایش» تفسیر کرده‌اند.^۲ علامه طباطبایی ذیل آیه توضیح می‌دهد: «امتحان را وقتی به کار می‌برند که بخواهند وضع چیزی که تاکنون برایشان مجهول بوده معلوم کنند و چون این معنا در مورد خدای متعال محال است، ناگزیر باید امتحان در مورد خدای تعالی را به معنای تمرین دادن و عادت دادن یا امتحان به معنای محنت و مشقت دادن به قلب معنا کنیم و بگوییم خدای تعالی این مشقت‌ها را بر دلها تحمیل می‌کند تا قلبها به تقوی عادت کنند.» (طباطبایی، ۳۱۰/۱۸)

آیه ۸۹ سوره مبارکه واقعه «فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ» عیناً همانند ترجمه آیت‌الله مکارم بدون اینکه دو کلمه «روح» و «ریحان» ترجمه شود، آمده است: «در روح و ریحان و بهشت پر نعمت است» در کتب لغت روح به معنی بوی خوشی که انسان استنشاق می‌کند و آرامشی که به او دست می‌دهد و ریحان به معنای نعمت آمده است. (ابن منظور، ۴۵۹/۲؛ راغب اصفهانی، ۳۶۹؛ قرشی، ۱۳۱/۳) هر چند که مفسر محترم در نکته‌های ادبی و ترکیبی، با استفاده از منابع، ترجمه و تفسیری از روح و ریحان ارائه داده است، اما در ترجمه آیات آن را لحاظ نکرده است.

به طور کلی در بحث ترجمه شایسته بود، مترجم محترم صرفاً به ترجمه آیت‌الله مکارم تکیه نمی‌کرد و با توجه به مباحث تفسیری در بحث ترجمه ابتکار و خلاقیت به خرج می‌داد و نواقص موجود را که چند نمونه از آن ذکر شد برطرف می‌نمود.

۴,۲,۴. ذکر نکردن نکات تفسیری برخی از آیات

مؤلف محترم در برخی موارد به طور مختصر و موجز به تفسیر آیات پرداخته و گاهی به تفسیر آیات در حد ترجمه اکتفا نموده است. برای نمونه آیات ۸۱ تا ۹۰ سوره مؤمنون در حد یک و نیم صفحه تفسیر شده که غالباً ترجمه است و موارد زیادی در این آیات مثل آسمان هفت گانه، عرش توحید ربوبی و ... جهت تفسیر وجود دارد که مؤلف محترم متعرض بحث‌های تفسیری آنها نگردیده است. تفسیر آیات ۶۷ تا ۷۲ سوره حج در حدود ۲ صفحه بیان شد که همین موجز بیان کردن تفسیر آیات، سبب خلل در مباحث تفسیری گردیده و از جنبه تفسیری حق آیات ادا نشده است.

۵,۲,۴. استفاده ناقص و ناکافی از روش تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که در این اثر در تفسیر آیات خیلی کم از این روش استفاده شده است. مثلاً در سوره حجرات بحثی درباره عوامل حبط اعمال ارائه شده که مؤلف محترم با بررسی واژه «حبط»، شش عامل را سبب حبط اعمال معرفی می‌کند، اما با عنایت به فقدان بررسی واژه حبط و معنای آن، تفسیر کاملی از «حبط اعمال» ارائه نشده و آیات دیگری که در مرتبط به حبط اعمال است، ذکر نشده است. در صورتی که مؤلف محترم همانند بحث زیر حبط اعمال را توضیح می‌داد، تفسیر کامل و بهتری از این موضوع قرآنی ارائه می‌شد:

«حبط» در اصل به این معنی است که چهارپایی آن قدر بخورد که شکمش باد کند و چون این حالت سبب فساد غذا و بی‌اثر بودن آن می‌شود. این واژه به معنی باطل و بی‌خاصیت شدن به کار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۲۱۶؛ مصطفوی، ۱۵۷/۲) «حبط» در آیه ۱۶ سوره هود هم‌ردیف باطل ذکر شده و می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِاطِلٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». همچنین در این دو آیه که میان کفار و مؤمنین مقابله انداخته و به آنها فرموده اعمالتان حبط شده و به این‌ها می‌فرماید: مواظب باشید عملتان باطل نگردد، دلالت بر این دارد که حبط به معنای بطلان عمل است. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ كُنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيُحِبِّطُ أَعْمَالَهُمْ* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد/ ۳۳-۳۲) همچنین در بعضی آیات به جای احباط، بطلان به کار رفته است؛ مثل «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ» (بقره/ ۲۶۴)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ»

(محمد/۳) و در آیات دیگر از آن به غبار پراکنده و خاکستر بر باد رفته تعبیر شده است: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا» (مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ)؛ بنابراین حبط و احباط از نظر قرآن این است که کسی عملی را انجام دهد و اجر و ثوابی نداشته باشد. (داوریناه، ۱۰۷/۴؛ نجفی خمینی، ۳۳/۲) در عوامل حبط اعمال آیاتی که به بطلان اعمال اشاره دارد نیز از مصادیق حبط اعمال می باشد. همانند موضوعات و آیات:

منت و اذیت در پی احسان: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ» (بقره/ ۲۶۴)

عدم اطاعت از خدا و رسول: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ» (محمد/ ۳۳)

ضمن اینکه کفر، قتل پیامبران و امر به معروف کنندگان طبق آیات «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِالْآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» * أولئك الذين حبطت أعمالهم في الدنيا والآخرة وما لهم من ناصرين (آل عمران، ۲۲) که از جمله عوامل حبط اعمال است و با واژه «حبطت أعمالهم» نیز ذکر شده، در کتاب از عوامل حبط اعمال بیان نشده است.

همچنین جهت تبیین واژه ذکر در آیه ۷۱ سوره مومنون «بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ» مؤلف محترم می توانست از روش تفسیر قرآن به قرآن و با رجوع به سایر آیات «مفهوم ذکر» را مشخص نماید. بدون شک مراد از «ذکر»، قرآن کریم است، هم چنان که در آیه ۵۰ سوره انبیاء آن را ذکر نامیده و فرموده: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ» و نیز در آیه ۴۴ سوره زخرف فرموده: «وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَ لِقَوْمِكَ» همچنین در آیاتی دیگر.

از این گونه موارد در تفاسیر آیات زیاد است که جا داشت مؤلف محترم با روش تفسیر قرآن به قرآن به شرح و تبیین بهتری از آیات بپردازد.

۶,۲,۴. ضعف در ارجاع دهی و مستند کردن مباحث

روش مؤلف در این کتاب از جنبه ارائه مستندات و منابع غالباً بر مبنای ذکر مستندات و ارجاع دهی مباحث است، اما در اثنای برخی از مباحث، دقت های لازم علمی در

استفاده از منابع و شیوه اسناددهی به عمل نیامده است که ضروریست در چاپ‌های بعدی نسبت به رفع این نقائص اقدام شود.

- برای نمونه در صفحه ۳۴۵ واقعه تاریخی از کتاب «ثمرات الاوراق» ارجاع داده می‌شود که این کتاب در بخش منابع و مآخذ ذکر نشده است. در همین صفحه روایتی از امام باقر^۷ بیان شده است که ارجاع ندارد.

- در صفحه ۳۴۴، مؤلف بحثی تاریخی را از کتاب «اقراب الموارد» ذکر می‌کند، اما در پاورقی به کتاب «المستطرف» ارجاع می‌دهد! و در بخش منابع و مآخذ هیچ یک از این دو کتاب ذکر نشده است!

- در صفحه ۴۵۴ بحث تفسیری از کتاب «راز آفرینش» ارجاع داده شده و در دو صفحه بعد مطلبی را از تفسیر نمونه به نقل از کتاب «راز آفرینش» ارجاع می‌دهد و در صفحه بعد از آن مجدداً از کتاب تفسیر نمونه به نقل از کتاب «قرآن بر فراز اعصار»، مستند شده است در حالی که در مباحث علمی مؤلف باید از منبع اصلی استفاده نماید و حتی الامکان از منابع واسطه و درجه دوم احتراز نماید.

- مؤلف در برخی موارد نظری را به برخی مفسرین استناد می‌دهد، اما هیچ نامی در پاورقی از مفسران و یا کتاب آنها نمی‌برد، مانند: نظرات مفسران درباره ماهیت ظلمت‌های سه‌گانه در صفحه ۲۷۴ که حدود یک صفحه اقوال گوناگونی را از مفسرین بیان می‌کند، اما هیچ ارجاعی را در پاورقی ارائه نمی‌دهد. در صفحه ۱۹۳ بحث تفسیری درباره عبارت «فیما ترکت» در آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون به نقل از بعضی از مفسرین مطرح می‌کند، اما نامی از این مفسرین در پاورقی نمی‌برد. در صفحه ۲۹۷ در توضیح بحثی ذیل موضوع «حجاب زنان سالخورده» دیدگاهی را به جمعی از فقها و مفسرین منتسب می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به این فقها و مفسران و کتبی که این دیدگاه از آنان نقل شده، نمی‌کند. ذیل آیه ۶۳ سوره مؤمنون «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَ لَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ» درباره تفسیر «لَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ» در صفحات ۱۷۲ و ۱۷۳ اقوال گوناگونی از مفسران بدون هیچ منبع و مستندی ذکر می‌کند.

۷,۲,۴. فقدان جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل بین اقوال مختلف تفسیری در برخی موارد

جهت تبیین مباحث تفسیری مؤلف محترم کتاب معمولاً به اقوال تفسیری مفسران مراجعه کرده است، این در حالی است که در برخی موارد نظرات مفسرین در یک موضوع تفسیری با هم متفاوت و حتی متضاد است. مؤلف در این اثر در برخی مباحث

اقوال مفسرین را ذکر می‌کند، اما بدون اینکه تجزیه و تحلیلی از نظرات گوناگون ارائه نماید و یا نظری را حسب مستندات قرآنی، روایی، عقلی، تاریخی و ... ترجیح دهد، جمع‌بندی صورت نمی‌دهد و عملاً بحث رها می‌شود.

برای نمونه ذیل آیه ۷۷ سوره مؤمنون «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَاباً ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ» درباره مفهوم عذاب، دیدگاه‌ها و احتمالات مختلفی از قبیل: مرگ، عذاب قیامت، قحطی شدید، ضربات شمشیر رزمندگان اسلام در میدان بدر در صفحات ۱۸۰ و ۱۸۱ بیان شده، اما هیچ یک از این احتمالات بر دیگر نظرات بر اساس شان‌نزل، سیاق آیات و روایات وارده ترجیح داده نشده است.^۶

همچنین در صفحات ۲۸۱ و ۲۸۲ ذیل آیه ۴۵ سوره نور بحثی را درباره خلقت موجودات از آب مطرح شده و سه قول را از مفسرین در این خصوص بیان می‌کند، اما در نهایت هیچ قولی را ترجیح نمی‌دهد. در صفحه ۳۰۷ پیرامون شأن نزول آیه ۶۲ سوره نور، دو سبب نزول ذکر کرده و بدون بررسی سند روایات، بحث رجالی، روایه الحدیث و درایه الحدیث و همچنین بدون تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی روایات، صرفاً به نقل قول از روایات بسنده می‌کند.^۷

در برخی موارد نه تنها جمع‌بندی بین مباحث مختلف تفسیری صورت نپذیرفته، بلکه تفاسیر ارائه شده مختلف است: مثلاً در معنای جلباب در صفحه ۲۹۸ در روایتی از امام صادق (ع) از وسائل الشیعه ذکر می‌کند که معنای آن را چادر می‌گیرد، اما در صفحه ۳۰۲ در ترجمه آیه ۵۹ سوره احزاب در پراگماتیک جلباب را به (روسی‌های بلند) معنا می‌کند.

۸،۲،۴. فقدان مباحث تحقیقی و پژوهشی و تخصصی

این اثر یک کتاب دانشگاهی است که مخاطبان اصلی آن دانشجویان مقطع کارشناسی هستند و به همین جهت کتاب ضمن بیان مباحث آموزشی، با بهره‌گیری از روش‌های مختلف شایسته است به مباحث تحقیقی و پژوهشی نیز توجهی داشته باشد و دانشجویان را در این مسیر هدایت نماید، اما سبک کتاب فاقد مباحث پژوهشی و یا حتی بیان سؤالات تفسیری و ذکر اهداف در ابتدای هر درس و یا فصل است، این در حالی است که در کتب درسی و آموزشی معمولاً ذکر اهداف، مقدمه، پرسش و پاسخ و تحقیق و پژوهش امری متداول و مرسوم است.

زبان و ادبیات این کتاب اگر چه با نثری روان و ساده نگاشته شده و قابل استفاده برای عموم مردم است، اما لزوماً هر نثر روان و ساده از ویژگی‌های یک کتاب علمی و

دانشگاهی محسوب نمی‌شود. بهتر استیک کتاب علمی دانشگاهی، تحقیقی و تخصصی و فنی نیز باشد تا ضمن ارتقاء و رشد علمی دانشجویان، سبب انگیزه جهت تحقیق و پژوهش و ایجاد سؤالات جدید را در بین آنان شود.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی

با توجه به توضیحات ذکر شده در متن مقاله موارد زیر به عنوان پیشنهادهای کاربردی جهت بازبینی و ویرایش علمی کتاب مطرح می‌شود:

۱- با عنایت به اینکه این کتاب به عنوان منبعی برای درس تفسیر ترتیبی گرایش علوم قرآن و حدیث رشته الهیات پیش‌بینی شده، در مرحله اول ضروریست به طور کامل با سرفصل‌های دروس تفسیر ترتیبی تطابق داشته باشد.

۲- از آن جهت که دروس تفسیر ترتیبی به عنوان دروس تخصصی رشته علوم قرآن و حدیث محسوب می‌شود، شایسته است به غنای علمی مباحث تفسیری از جنبه فنی و تخصصی افزوده شود و سطح علمی آن فراتر از یک کتاب تفسیر ساده و عمومی باشد.

۳- یکی از ابعاد مهم پرداخت تخصصی به مباحث تفسیری توجه به وجود گرایش‌های و سبک‌ها مختلف تفسیری اعم از روایی، قرآن به قرآن، ادبی، کلامی، فلسفی، علمی، تربیتی، اجتماعی، تطبیقی و... به همراه ذکر مبانی، اصول و قواعد هر یک از این گرایش‌ها در کنار معرفی تفاسیر معتبر در هر یک از این گرایش‌ها است که ضرورت دارد در بازبینی مجدد علمی اثر به این نکته مهم توجه شود.

۴- با توجه به توضیحات ارائه شده در متن مقاله، ضروریست کتاب به شیوه درسی تالیف شود و مباحث تحقیقی و پژوهشی جهت رشد و ارتقای علمی دانشجویان نیز در آن پیش‌بینی شود.

۵- برای استفاده از این اثر به عنوان منبع درس تفسیر ترتیبی در مقطع کارشناسی، ضروریست مجدد ویرایش علمی با توجه به توضیحات فوق -ضمن حفظ محاسن ذکر شده- صورت پذیرد.

پی‌نوشت

۱. وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ. (نحل / ۴۴).
۲. رک: ترجمه‌های مخزن العرفان، مجتبیوی، فولادوند، گرمارودی، فیض الاسلام، مشکینی و... و آیه را چنین ترجمه کرده‌اند: کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند همان

کسانند که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان و آزمایش کرده است آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است.

۳. با عنایت به معنای لغوی مفسرین نیز همین معنا را در تفسیر آن اراده کرده اند. رک: طبرسی، ۹/۳۴۴، زمخشری، ۴/۷۰. همچنین تعدادی از مترجمین همین ترجمه را از آیه ارائه داده‌اند. رک: ترجمه مصباح زاده، معزی، شعرانی، فیض الاسلام و ...

۴. فرقان، ۲۳؛ «و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم.»

۵. ابراهیم، ۱۸؛ «مَثَل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد: از آنچه به دست آورده‌اند هیچ [بهره‌ای] نمی‌توانند بُرد. این است همان گمراهی دور و دراز.»

۶. با بررسی شأن نزول آیه مشخص می‌شود که آیه مربوط قحطی و خشکسالی شدید مکه است. (جرجانی، ۶/۲۵۷) ضمن اینکه با بررسی سیاق آیات عذاب شدید به قحطی و خشکسالی نزدیکتر است تا سایر احتمالات دیگر. آیات در مقام پاسخ به کسانی است که از پیامبر درخواست کردند تا حضرت در حق ایشان لطف و رحمت کند و در ادامه آن بیان می‌کنند: «اگر ما بر آنها رحمت کنیم و این رنج و قحط از ایشان زایل کنیم، آنها مجدداً استکبار و گردنکشی می‌کنند، ندیدی چون در روز بدر شکست خوردند باز متنبه نشدند و سر تواضع و تسلیم فرود نیاورند و از آنچه بودند، بهتر نگشتند «حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا» تا آنکه بر آنان دری از درهای عذاب سخت بگشودیم و آن قحطی و گرسنگی است که سختتر از کشتن و اسیر کردن است و آنان در آن عذاب ناامید شدند. آنگاه آنان را توبیخ و ملامت کرد و نعمتهایی را که به آنان داد به یادشان آورد و گفت: «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ» اوست آن خدای که به شما گوش‌ها و چشم و دل‌ها که آلت شنیدن و دیدن و دانستن است داد و شما شکر خدا را کم به جای آوردید.» در کنار برداشت‌های تفسیری از سیاق آیات، روایات تفسیری وارده نیز عذاب شدید را به خشکسالی تفسیر کرده‌اند که به دنبال نفرین پیامبر بر اهل مکه نازل شد. (عروسی الحویزی، ۳/۵۵۰، اندلسی، ۴/۱۵۲) در کنار تفسیر این آیه، تأویلی از این آیه توسط ائمه صورت پذیرفت و آن را به رجعت حضرت علی تأویل نمودند (فیض کاشانی، ۳/۴۰۶، بحرانی، ۴/۳۲) - تاویل احادیث به معنایی، ذکر باطن آیات است که تنها توسط معصومین بیان می‌شود (معارف/۲۰۵) - که جا داشت مؤلف محترم در تبیین و تفسیر و تأویل آیه از روایات استفاده می‌نمود.

۷. مؤلف در این کتاب کلاً دأبی بر بررسی سندی و محتوایی روایات نداشته است. مثلاً در بحث فضیلت تلاوت سوره‌ها، غالب روایات فضائل السور را از ابی‌بن‌کعب از پیامبر نقل کرده، این در حالی است که نقدهای جدی‌ای به روایات فضائل السور ابی بن کعب از

سوی حدیث پژوهان وارد شده است. آیت الله خویی معتقد است: «در این حدیث (فضائل السور ابی ابن کعب) تحقیقی به عمل آمده است و نتیجه تحقیق این بوده است که راوی حدیث می‌گوید: این حدیث را من با گروه دیگری به دروغ از پیش خود ساخته و در دسترس مردم گذاشتیم.» خویی، ۴۸. حداقل این نقدها این است که این گونه روایات تفسیری جزء روایات آحاد محسوب شده، و در خصوص حجیت و یا عدم حجیت خبر واحد و ظنی بودن آن بین دانشمندان علوم اسلامی اختلاف دیدگاه وجود دارد. دیاری بیدگلی، ص ۳۶. در خصوص عدم تجزیه و تحلیل روایی می‌توان به صفحه ۳۳۱ کتاب اشاره نمود که چندین روایت در آن ذکر کرده ضمن عدم ارجاع سندی، پذیرش این گونه احادیث کمی دشوار است.

کتاب‌نامه

- آلوسی البغدادی، شهاب‌الدین سید محمود (۱۴۱۵ق) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن الأثیر الجزری، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد، (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابه فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق) *لسان العرب*، بیروت، سوم، دار صادر.
- اندلسی، ابن عطیه (۱۴۲۲ق) *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، اول، دارالکتب العلمیه.
- بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین (۱۳۶۱) *مخزن العرفان در تفسیر قرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق) *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، اول، بنیاد بعثت.
- جرجانی، ابو المحاسن حسین بن حسن، (۱۳۷۷) *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران، اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- جلالیان، حبیب الله، (۱۳۷۸) *تاریخ تفسیر قرآن کریم*، قم، انتشارات اسوه، چهارم.
- حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۷۷) *أسباب النزول*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ششم، خویی، سید ابوالقاسم، *البیان فی تفسیر القرآن*، بدون مشخصات دیگر.
- داور پناه، ابوالفضل، (۱۳۷۵) *نوار العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران، صدر.
- دیاری بیدگلی، محمد تقی، (۱۳۹۰) *اسبب شناسی روایات تفسیری*، تهران، انتشارات سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق) *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق، صفوان عدنان داودی، بیروت، اول، دارالعلم.
- رجبی، محمد، (۱۳۸۳) *روش تفسیر قرآن*، تهران، اول، موسسه پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

نقد و ارزیابی کتاب تفسیر یازده سوره از قرآن کریم ۲۵۳

رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۰). *درسنامه روش‌های تفسیر قرآن*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

زحیلی، وهب بن مصطفى، (۱۴۱۸ ق) *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دوم، دار الفکر المعاصر.

زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ ق) *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، سوم، دارالکتب العربی. شاکر، محمد کاظم، (۱۳۸۹) *مبانی و روش‌های تفسیر*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات اسلامی. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۸ ق) *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه للطباعة و نشر. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ ق) *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اول، دارالمعرفه. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق) *تفسیر نور الثقلین*، قم، چهارم، انتشارات اسماعیلیان. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵ ق) *تفسیر الصافی*، تهران، انتشارات الصدر. قاسمی، محمد جمال‌الدین، (۱۴۱۸ ق) *محاسن التاویل*، تحقیق، محمد باسل عیون السود، بیروت، دارالکتب العلمیه.

قرآن مجید به ترجمه‌های محمد مهدی فولادوند، مجتبیوی، گرمارودی، فیض‌الاسلام، مشکینی، مصباح زاده، معزی، شعرانی.

قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۱) *قاموس قرآن*، تهران، ششم، دارالکتب الإسلامیه. مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۹۲) *تفسیر یازده سوره از قرآن کریم*، تهران، اول، سمت. مصطفوی، حسن، (۱۳۶۰) *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. معارف، مجید، (۱۳۸۷) *شناخت حدیث مبانی فهم متن - اصول نقد سند -*، تهران، اول، انتشارات نبأ. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۱ ق) *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب. نجارزادگان، فتح‌الله، (۱۳۹۰) *بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن در دیدگاه فریقین*، قم، دوم، انتشارات سمت.

نجفی خمینی، محمد جواد، (۱۳۹۸ ق) *تفسیر آسان*، تهران، سوم، انتشارات اسلامیة. الهاشمی البصری، ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق، محمد عبد القادر عطا، بیروت، اول، دارالکتب العلمیه.